

علم أصول الفقه

۹-۱۰-۹۱ مبادئ مختص تصديقي ۳۰

دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

البصيرة في الدين

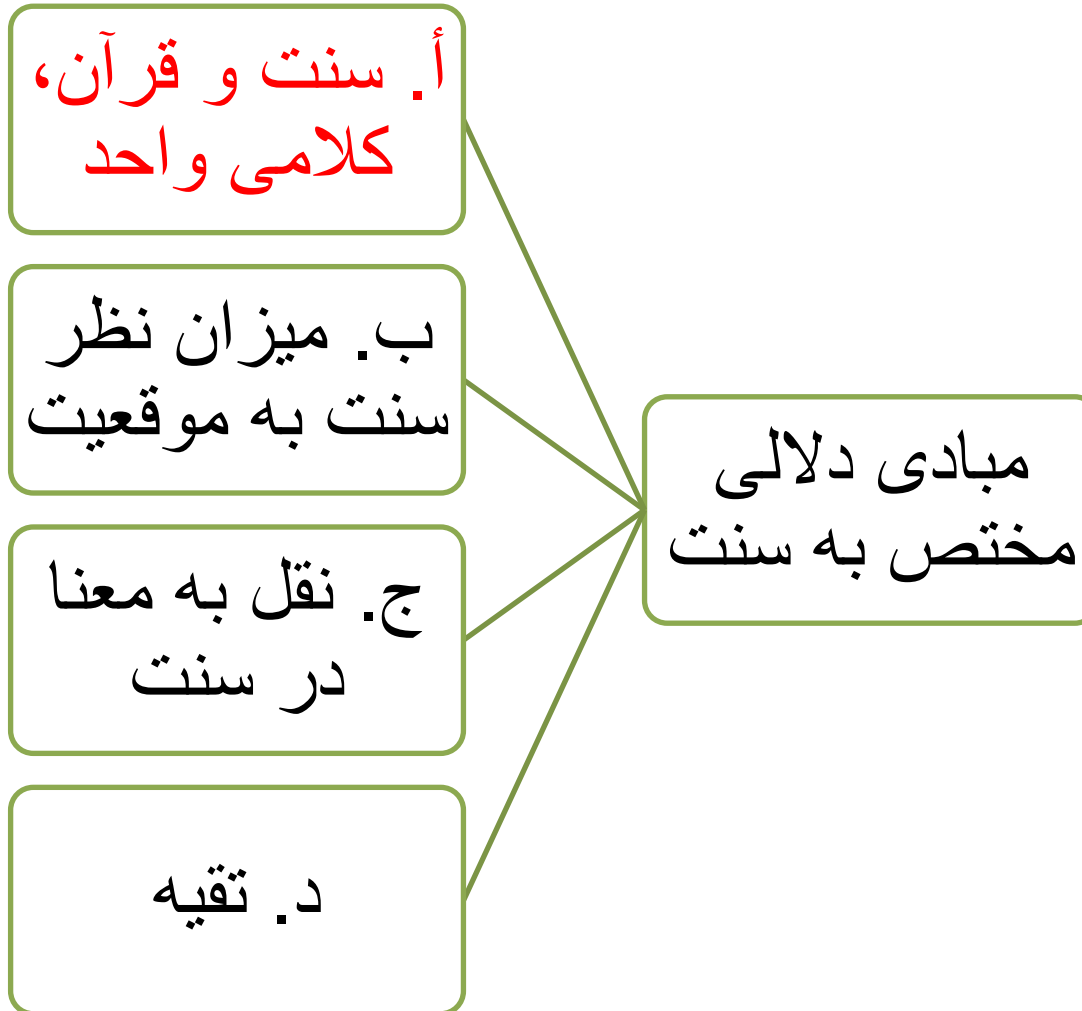
- ٤ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَكِيلُ تَمْرًا بِيَدِهِ فَقُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ لَوْ أَمَرْتَ بَعْضَ وَوَلَدِكَ أَوْ بَعْضَ مَوَالِيكَ فَيَكْفِيكَ فَقَالَ يَا دَاوُدُ إِنَّهُ لَا يُصْلِحُ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ إِلَّا ثَلَاثَةٌ التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ وَالصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ وَحُسْنُ التَّقْدِيرِ فِي الْمَعِيشَةِ «٤».

- (٤) النفقة في الدين هو تحصيل البصيرة في العلوم الدينية. و النائبة: المصيبة. و تقدير المعيشة تعديلها بحيث لا يميل إلى طرفي الإسراف و التقتير، بل يكون قواما بين ذلك كما قال الله عز و جل. (في)

البصيرة في الدين

- تفقهوا في دين الله فإنه أروى:
- من لم يتفقه في دينه ما يخطئ أكثر مما يصيب فإن الفقه مفتاح البصيرة و تمام العبادة و السبب إلى المنازل الرفيعة و خاص المرء بالمرتبة الجليلة في الدين و الدنيا و فضل الفقيه على العباد كفضل الشمس على الكواكب و من لم يتفقه في دينه لم يزك الله له عملا

مبادی دلالی مختص به سنت



سنت و قرآن، کلامی واحد

- توضیح آن که معرفت مردم عادی - غیر معصومان علیهم السلام - نسبت به آیات قرآن از طریق الفاظ قرآن است. با خواندن یا شنیدن آیات قرآن به معنا منتقل می شوند و در پی آن در صدد کشف مراد جدی خداوند بر می آیند.

سنت و قرآن، کلامی واحد

- در واقع مردم عادی وقتی قصد می‌کنند به معانی قرآن پی ببرند، قرآن را می‌کشایند و الفاظ آن را می‌خوانند. در صورتی که معنای الفاظ را ندانند به قاموس مراجعه می‌کنند و بر اساس آن معنایی در ذهنشان نقش می‌بندد که آن را مراد جدی خداوند تلقی می‌کنند.

سنت و قرآن، کلامی واحد

- در اینجا درست است که به معنایی دست می‌یابند و آن معنا را مراد جدی خداوند می‌دانند، اما از رهگذر لفظ به آن دست یافته‌اند. لفظ یک دلالت تصویری دارد که در پی آن چند دلالت تصدیقی صورت می‌گیرد. دلالت تصویری نتیجه‌ی وضع است؛ اما مدلول تصدیقی به چیزی بیش از وضع نیازمند است.
- اولین دلالت تصدیقی، دلالت استعمالی، دومین آنها، دلالت تفهیمی و سومین آنها، دلالت جدی است. و این مطالبی است که ان شاء الله در آینده در فرایند انتقال از لفظ به مراد جدی متکلم توضیح خواهیم داد.

سنت و قرآن، کلامی واحد

- اما دانش معصومان علیهم السلام به مراد جدی خداوند و حقایق دین، از ناحیه‌ی خود خداوند و بدون واسطه‌ی الفاظ حاصل شده است. علم آنها علم لدنی است. بنابراین آنچه می‌گویند، کلام خداوند است.

سنت و قرآن، کلامی واحد

- مَثَل آنها در مقابل مردم عادی در این زمینه، مَثَل کسی است که می‌تواند ذهن دیگران را بخواند. این شخص قبل از این که متکلم بخواهد زبان بگشاید و معانی موجود در ذهن خویش را بیان نماید، از مخزونات ذهن مطلع است.

سنت و قرآن، کلامی واحد

- دیگرانی که در کنار او هستند تا کلام متکلم را نشنوند به معنا منتقل نمی‌شوند. در این صورت اگر آنها که از طریق لفظ به معنا منتقل می‌شوند، راه رسیدن به معنا را درست طی کنند، به همان چیزی دست می‌یابند که آن شخص می‌دانست؛ اما نحوه‌ی دستیابی آنها متفاوت است.
- از آن سو، احتمال خطا در فهم دیگران وجود دارد، اما در فهم این شخص چنین خطایی متصور نیست.